

OCTOBER

اکتبر ۲۰

۲۳ دی ۱۳۸۳ ، ۱۲ ژانویه ۲۰۰۵

نشریه کمیته
کردستان حزب
کمونیت کارگری
ایران - حکمتیست

انتخابات عراق و موضع احزاب ناسیونالیست کرد



حسین مراد بیگی (حمه سور)

در مورد پروژه "انتخابات" دولت آمریکا در عراق و اهدافی که پشت این پروژه پنهان است، از جنبه های مختلفی میشود و باید نوشت. اما آنچه در اینجا مورد نظر من است، موضع احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق، و مشخصا اتحادیه میهنی و پارتی(حزب دمکرات کردستان عراق) است. ←



مصاحبه اسماعیل ویسی با حبیب مرادی در باره اعتصاب معلمان دیواندره

صفحه ۲

روز شمار
اعتصاب
بینش حکمت
صفحه ۳

کارگر متحد، کارگر همبسته

به مناسبت موفقیت اعتصاب کارگران نساجی سنندج

حسین مرادیگی

ضرورت حمایت فوری بین المللی از امواج اخیر اعتصابات کارگران در شهرهای عراق

فدراسیون شوراهای و اتحادیه های کارگری عراق (FWCUI) و اتحادیه مستقل کارگران عراق (UUI) این اعتصابات را رهبری میکنند. این فدراسیون در میان کارگران نفت، نساجی و برق در بسیاری از شهرهای عراق از جمله ناصریه، بغداد، کرکوک، بصره و کوت فعالیت دارد. در کنفرانس بسیار موفقیت آمیزی که این فدراسیون در ماه نوامبر سال ۲۰۰۴ برگزار کرد ۳۵۰ نفر از نمایندگان کارگران کارخانه ها و مراکز صنعتی و تولیدی شهرهای بزرگ شرکت داشتند.

برای کمکهای مالی به مبارزات کارگری در عراق و حمایت از اعتصابات جاری، به منظور یاری رساندن به نهادهای رهبری این اعتصابات برای دایر کردن یک آفیس مرکزی در بغداد، انتشار منظم روزنامه "شوراهای کارگری"، و دیگر امکانات فنی و هر نوع حمایت دیگر با آدرسها و شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید و به شماره حساب نمایندگی فدراسیون در اروپا کمک مالی واریز کنید:

Federation of Workers councils and Union in Iraq(FWCUI)
Post Box 8553, BERN 3001- Switzerland

شماره حساب بانکی - لطفا در قبض پرداخت بنویسید
International Campaign to Defend Iraqi Women Rights
Solidarity with Iraqi Women rights- SIWR
Post Finance Bank
Account Nr. 30-340462-4
Post Box 326, Bern 113000
Switzerland

برای کسب اطلاعات بیشتر با این آدرسها تماس بگیرید:

تلفنهای هوزان محمود و آسو جبار:

00447956883001 & 0041788825589

Email: asojabbar@yahoo.com & houzan73@yahoo.co.uk

Website:

www.uuiraq.org

در صفحات دیگر:

گرانبهاتر از طلای کردستان

عملیات جیمز باندی سرقت و کشف دوباره "قرآن نگل"

از میان موج همبستگی با کارگران نساجی سنندج

از اعلامیه های حزب

جلسات انجمن مارکس در سوئد

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مصاحبه با حبیب مرادی

اسماعیل ویسی: حبیب مرادی، چند روز است که معلمین شهر دیواندره دست به اعتصاب زده اند. چرا؟ بطور مشخص چه مطالب و خواسته هائی را مطرح کرده‌اند؟

حبیب مرادی: معلمان در سراسر کشور عموماً و در دیواندره خصوصاً دارای مشکلات فراوانی هستند. تعداد بیش از اندازه دانش آموزان در کلاسها، ساعات کار هفته گی بیش از حد، سیستم خفقان آور پلیسی در مدارس و... از جمله مشکلاتی هستند که معلم هر روزه و هر ساعت با آن روبرو است. سطح حقوق معلم با آن همه مشکلات چنان ناچیز است که زندگیشان در زیر خط فقر است و بسیلریشا ناچارند در ساعات استراحت خود برای تأمین زندگی خود و خانواده شان به کارهای دیگر از قبیل رانندگی تاکسی و غیره بپردازند. بنابر این اضافه حقوق و بهبود امکانات

زندگی یک خواست دائمی جامعه معلمان بوده و هست. خواسته های مشخصی که معلمان دیواندره مطرح کرده اند عبارتند از: افزایش حقوق ماهانه پرداخت پول ساعتهائی که خارج از ساعات رسمی و اداری در مدرسه هستند و کار میکنند و به رسمیت شناختن این ساعتها به عنوان اضافه کاری بن خرید کتاب

اسماعیل ویسی: انعکاس این اعتصاب در سطح عمومی و در میان مردم شهر دیواندره و از جمله دانش آموزان چگونه بوده است؟ آیا دانش آموزان مطلع هستند که معلمینشان چرا اعتصاب کرده اند؟

حبیب مرادی: در همان روز اول اعتصاب دانش آموزان و خانواده هایشان و مردم شهر در مجموع از اعتصاب معلمان با خبر شده

و به انحاء مختلف آنرا پشتیبانی نمودند. دانش آموزان در همان ساعات اول به پشتیبانی از خواسته های معلمان برخاستند. کلاسهای درس که خالی از حضور معلمان بود به جلسات بحث دانش آموزان در مورد اعتصاب و پشتیبانی از آن تبدیل شد. در بسیاری از مدارس دانش آموزان با اجتماع خود در حیاط مدرسه پشتیبانی جمعی خود از خواسته ها و اعتصاب معلمان اعلام کردند. اسماعیل ویسی: -عکس العمل مسئولین آموزش و پرورش استان کردستان و بطور مشخص شهر دیواندره به این حرکت اعتصابی و مطالب معلمین چگونه بوده است؟

حبیب مرادی: با توجه به سابقه مبارزاتی معلمان در مجموع، رادیکالسم موجود در کردستان و مخصوصاً اعتصاب موفق اخیر کارگران نساجی سنندج که پشتیبانی گسترده کارگران و مردم کردستان را با خود داشت، خبر اعتصاب معلمان مدارس

راهتمایی دیواندره بلافاصله مسئولین آموزش و پرورش استان کردستان را به دست و پا انداخت. آنها سعی شان این بود که هرچه زودتر به این اعتصاب پایان دهند. در مذاکرات روز شنبه ۱۹ دی ماه در مذاکرات آموزش و پرورش با نماینده معلمان توافق کردند که: آموزش و پرورش تلاش خواهند کرد که حقوق ماهانه معلمان را افزایش دهد.

ساعات اضافه کاری را به رسمیت شناخه و حقوق آنرا بپردازد. نماینده آموزش و پرورش از پذیرش در خواست بن کتاب خود داری کرد.

اسماعیل ویسی: اکنون معلمین در چه وضعیتی هستند؟ آیا توانسته اند مطالباتشان را به ارگانهای مربوطه بقبولانند؟ پیام شما برای معلمین، دانش آموزان و کلاً مردم شهر دیواندره چه میباشد؟

حبیب مرادی: طبق توافقات نماینده آموزش و پرورش و نمایندگان معلمان، معلمان بخش

اساسی خواسته های خود را بدست آورده و با موفقیت به اعتصابشان پایان داده و روز یکشنبه به سر کلاسی درس باز گشته اند. معلمین اعتصابی اعلام کردند که اگر آموزش و پرورش از اجرای این توافقات خودداری کند، دست به اعتصاب مجدد خواهند زد.

این موفقیت همبستگی و روحیه مبارزاتی معلمان شهر را در مجموع به سطح بالاتری ارتقا داده است. من به سهم خود این موفقیت را به تمام معلمان دیواندره، دانش آموزان و تمام مردم شهر تبریک میگویم و امیدوارم که این موفقیت و دستاوردهای آن سنگری دیگر برای کسب موفقیتهای بیشتر در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و برای یک زندگی بهتر بدور از هر نوع خفقان و ترور باشد.

۲۲ دی ماه ۱۳۸۳

ما بارها به مردم کردستان گفته ایم که ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه و رهبران آن مانع تحقق مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان و همچنین حل مساله ملی در کردستانند. مادام که این احزاب و میلیشیای مسلح این احزاب میداندار باشند، سرنوشت مردم کردستان همچنان بازچه دست منافع این احزاب و رهبرانشان خواهد شد. اینها هم اکنون در مقابل اعتراض گروههای مختلف مردم به آنان در مورد پروژه فریبکارانه انتخابات، بشدت ایستاده اند. مردم کردستان عراق نباید در این شوی سیاسی رهبران ناسیونالیست کرد شرکت کنند. این انتخابات تنها ادغام مجدد کردستان عراق را در عراق رسمیت خواهد داد و تقابل قومی بین ناسیونالیسم کرد و عرب را در کردستان و خارج کردستان عراق تشدید خواهد کرد. بجای آن خواست و مطالبه خود را برای برگزاری فرمانم و جلوگیری از الحاق اجباری به عراق را در سطح وسیعی مطرح کنید. نشان دهید که دیگر دنبال فریبکاری و بند و بست احزاب ناسیونالیست کرد و رهبران آنان علیه سرنوشت خود و آینده سیاسی کردستان، عراق نخواهید رفت. در این راه حزب کمونیست کارگری عراق و دیگر نیروهای را که به سرنوشت و آینده سیاسی مردم کردستان عراق و عراق میانینشند همراه خود دارید.

۱۱ ژانویه ۲۰۰۵

فعالیت فعالین پروژه فرمانم که اکثریت مردم کردستان عراق خواهان آنند میشوند و آنرا هر طور شده مسکوت میگذارند تا بند و بست های خود را از بالای سر مردم کردستان عراق با دولت آمریکا و امثال علای و غازی یاور، انجام دهند. هدف آنها نه سرنوشت و آینده مردم کردستان عراق که منافع حزبی خود و حفظ کاخها و ثروت باد آورده ایست که در خواب هم تصور آن را نمیکردند. در کردستان عراق، با موضعی که احزاب ناسیونالیست کرد و رهبران آن گرفته اند، شرکت در "انتخابات"، اگر چنین "انتخابات" برگزار شود، اوضاع کردستان عراق را آشفته تر خواهد کرد، تقابل ناسیونالیسم کرد و عرب علنا و بویژه در کرکوک شدت خواهد گرفت. غازی یاور از حالا گفته است که رفارندم مراجعه به آرا مردم کردستان کفر و ممنوع است، و جدائی هم بشدت سرکوب خواهد شد. اعتراضات مردم و جامعه به وضع موجود بالا خواهد گرفت. ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه دوباره سراغ نان دانی عرق قومی میروند و تلاش میکنند نیروی مردم در کردستان عراق را همچنان در خدمت بند و بست های آینده خود با جریان مذهبی - عشیره ای در عراق و با این یا آن دولت مرتجع منطقه قرار دهند. حضور ماموران و مراکز اطلاعاتی جمهوری اسلامی که هم اکنون در نوبت ایستاده است در کردستان عراق تشدید خواهد شد.

عراق پای این مضحکه. اینها در این جنگ بازنده اند. شرکت اینها در "انتخاباتی" که قرار است برگزار شود، نه برای کرسیهای بیشتر، که معامله ایست صورت گرفته بر سر ادغام مجدداً کردستان عراق در عراق، در ازاء قول نسیه ای که مسعود بارزانی و جلال طالبانی از ماموران دولت آمریکا در مورد مناطق "فدرال" زیر کنترل خود، گرفته اند. خارج کردن کرکوک "عروس کردستان" و حومه دور و بر آن را از منطقه "خودمختار" چگونه توجیه میکنند؟ معامله قبلا صورت گرفته است. مسعود بارزانی و جلال طالبانی، کردستان عراق را که حدود ۱۳ سال تمام، علیرغم هر کمبودی که داشت، زیر سلطه دولت بعث نبود، در ازاء حفظ منافع حزبی و عشیره ای خود تحت نام شرکت در "انتخابات" بدون مراجعه به رای و نظر، مجدداً در عراقی که سرنوشت مردم و آینده آن تاریک و ناروشن است ادغام کردند. این احزاب در ۱۲ سال گذشته نیز علیرغم اینکه شرایط مناسبی برای حل مساله ملی کرد در کردستان عراق پیش آمده بود، مانع جدی حل این مساله از طریق پروژه استقلال کردستان عراق شدند، ما را تهدید کردند، رسماً بخاطر طرح این پروژه خواستار محاکمه حزب کمونیست کارگری عراق شدند و به مردم کردستان عراق گفتند که پروژه استقلال کردستان عراق مایه شرمزاری مردم کردستان عراق است. اکنون هم حتی مانع

آمریکا همچنان ادامه خواهد یافت، فاشیستهای بعثی بیکار نخواهند نشست، دیگر گروههای اسلامی و مرتجعین محلی گلولی جامعه و مردم را بیشتر میفشارند، سیاهچال اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در عراق همچنان مردم عراق را در خود فرومیبرد، آینده مردم عراق همچنان تاریک و ناروشن باقی خواهد ماند و تأمین امنیت، آزادیهای پایه، تأمین معاش مردم و در یک کلام بازگرداندن مدنیت به جامعه عراق همچنان در دستور کار مردم و جامعه عراق قرار خواهد داشت. این کار تنها از حزب کمونیست کارگری عراق و از دست توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه و و مدافع مدنیت جامعه عراق و حمایت دیگر مردمی ساخته است. در مورد کردستان عراق، ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه و رهبران آن، مسعود بارزانی و جلال طالبانی، در این دوره هم مثل هر دوره دیگر و هر نقطه عطف دیگری بیکار دیگر مانع حل چاره ساز مساله ملی کرد شدند و یکبار دیگر آینده سیاسی و منافع مردم کردستان عراق را بخاطر منافع خود و احزابشان پیش فروش کردند. اینها بازندگان این انتخابات خواهند بود، این را میدانند با وجود این نیز در این انتخابات شرکت میکنند. آوردن کرسی بیشتر برای "کردها" در پارلمان کذایی عراق، عوام فریبی پارتی(حزب دمکرات کردستان عراق) و اتحادیه میهنی است برای کشاندن مردم کردستان

در مورد خود پروژه "انتخابات" اولاً این انتخابات با هیچ معیار و موازینی انتخابات به حساب نمی آید. این صرفاً فریبکاری دولت آمریکاست برای مشروعیت دادن به یک ترکیب مذهبی - عشیره ای به نام "دولت" و تحمیل آن به مردم عراق و تثبیت عراق بعنوان یک کشور اسلام زده و عشیره زده در منطقه. ثانیاً برگزاری خود انتخابات زیر سوال است، غصب انداختن آن را دومین بار است که عدنان پاچه چی درخواست کرده است و ژنرالهای دولت آمریکا هم این حقیقت را مخفی نکرده اند. مردم عراق و کردستان عراق نباید در این "انتخابات" شرکت کنند. انتخابات آزاد وقتی برگزار میشود که نیروهای دخیل در تحمیل سیاهچال فعلی به مردم عراق سایه شان از سر مردم عراق کم شده باشد، مردم کاملاً حق انتخاب آزادانه را داشته باشند، همه احزاب و نیروهای سیاسی به میدیا دسترسی داشته باشند، وقت کافی برای تبلیغ انتخابات داشته باشند و مردم پلاتفرم و برنامه سیاسی احزاب و افراد شرکت کننده در انتخابات را دیده باشند. این "انتخابات" اگر هم برگزار هم شود، در سطح عراق هیچ مشکلی را حل نمیکند، بلکه بر وخامت بیشتر اوضاع میافزاید، این "انتخابات" هم اکنون از طرف مردم مناطق مرکزی تحریم شده است. بعد از این "انتخابات"، جدال بین دو قطب تروستی، اسلام سیاسی و دولت

گرانیهاتر از "طلاي كردستان"

ایرج فرزاد

Iraj.farzad@gmail.com

در نیمه دوم آذر ماه امسال، عبدالعلی زاده وزیر مسکن و شهر سازی رژیم اسلامی به منظور شرکت در "اولین همایش معرفی توانمندیها و زمینه های سرمایه گذاری استان کردستان" به سنندج رفت. جناب وزیر مسکن که در میان جمع مدیران و سرمایه داران "متدین و متعهد" کردستان در باره خواص سرمایه گذاری سخنرانی

تضمینها و "یارانه های" دولتی در کردستان تامین میکنیم. او هم چنین به امکاناتی که دوستانشان در کردستان عراق برای تجارت و سرمایه گذاری فراهم کرده اند، بعنوان يك منبع بکر اشاره کرد. اما يك وحشت، در این "همایش" سایه خود را بر تمام سخنان "مهندس" عبدالعلی زاده، گسترده بود. او گفت: (گرانیهاتر از طلاي کردستان، امنیت و مساله "وحدت و همدلی مردم با مسئولین نظام" است). و این نکته است که کابوس خود را نه فقط در کردستان که در

قرار داد موقت مطرح نمود. به این امید که کارگران کارخانه شاهیو ۲۰ روز حقوق معوقه داشتند انتظار می رفت که بلا فاصله دست از کار بکشند و به اعتصاب نساجی بپیوندند و اعتصاب به همین عنوان گسترده تر شود تا توازن قوا به نفع کارگران بالا برود و هر چه بیشتر بر خواسته هایشان یا فشاری کنند. اما متأسفانه اینگونه نشد.

اعتصاب شروع شد به دنبال تمدید نکردن قرار داد ۶ نفر از کارگران در تاریخ ۱/۱۰/۸۲ ساعت ۲ بعد از ظهر جمعی از کارگران دست از کار کشیدند و در سالن ریسندگی جمع شدند. شیفت بعدی را شیفت قبل، از وضعیت پیش آمده با خبر میکرد و آنها هم با کمال میل تحصن هر ادامه می دادند. خوشبختانه هر چهار شیفت موافقت خود را با اعتصاب، با دست کشیدن از کار نشان دادند. به دنبال کارگران سالن ریسندگی تمام پرسنل فنی کارخانه اعم از تاسیسات، برق کار و مکانیک پیوستن خود را به اعتصاب اعلام نمودند. شیفت جدید که به اعتصاب می نشست شیفت قبل به خانه می رفت و استراحت می کرد. کارگران اخراجی هم حضور خود را با زدن چادر و نشستن با وجود هوای سرد زمستان نشان دادند.

روز سوم کارگران مطالبات خود را تنظیم کردند
۱- لغو کامل قرارداد موقت و توقف اخراجها
۲- مداوای مجانی بیماران ناشی از کار در محیط آلوده
۳- ایجاد سلف سرویس و دادن یک وعده غذای گرم به کارگران
۴- بهداشتی و ایمن کردن محیط کار
۵- بازگشت به کار ۶ نفر از همکارانشان
۶- لغو آیین نامه انضباطی
۷- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل
۸- پرداخت حقوق ایام اعتصاب
با بیان این مطالبات اعتصاب کارگران به مصافی بزرگتر رفت و خواستی همگانی را با عنوان لغو

فشار کارخانه هایی که با نساجی قرار داد داشتند که مواد اولیه را از آنها بگیرند
چند کارخانه که نساجی مواد اولیه تولید آنها را تامین می کرد به شدت از کارخانه نساجی شاکي شده بودند و تهدید کرده بودند که اگر هر چه زودتر به آنها مواد اولیه نرسد قرارداد را فسخ شده اعلام خواهند کرد و خسارت خود را از کارخانه خواهند گرفت.
کارفرما می خواهد فضای رعب و وحشت را ایجاد کند تا کارگران اشتباه کنند.
کارفرما با تهدید کارگران به اخراج دسته جمعی و اعلام ورشکستگی می خواهد که کارگران را وادار به واکنش خاص کند که در راستای اهداف خودش باشد. کارفرما با دو بحران مواجه است ۱- چگونگی واگذاری کارخانه به بخش خصوصی ۲- پایان دادن به اعتصاب و گردن نهادن به مطالبات کارگران. با توجه به این شرایط عده ای از کارگران تصور می کردند ما که به

سراسر ایران بر فراز سر سران رژیم اسلامی آویزان کرده است. امنیت برای سرمایه داران عزیز کرد و غیر کرد به دو دلیل پایه ای حکم کیمیا دارد و اینها ناچارند تا زمانی که رژیم جنایتکاران اسلامی حاکم است، پول و سرمایه خود را در بخشهای غیر تولیدی و منابع سودآوری سریع و کم خطر و یک بار مصرف به کار انانازند. این را البته خود سرمایه داران محترم، چه در مقیاس ایران و چه در کردستان که بازار "بکر" کردستان عراق نیز در سایه حاکمیت احزاب عشایری برای به جیب زدن پول برایشان فراهم کرده

هر حال اخراج می شویم و این کارخانه آخر و عاقبت ندارد پس بهتر است بر مطالباتی که زورمان به آن نمی رسد پافشاری کنیم تا کارفرما مجبور به اخراج شود و خسارتی از آنها بگیریم و قال قضیه را بکنیم. این تصور اگر عملی می شد کارفرما را به دو هدف می رساند. هم به مطالبات کارگران یعنی خواسته های اصلی اعتصاب جواب رد می داد و هم اخراج سازیش را تسریع می بخشید اما خوشبختانه با درایت نمایندگان و خود کارگران و پیامهای انسان دوستانه انسانهای شریف دست کارفرما رو شد و پروژه اش با شکست مواجه شد.

حمایتهای مردمی و کارگری از اعتصاب
مردم اعم از پیر و جوان، دانشجو، کاسب و فرهنگی و ... تومارهایی در حمایت از اعتصاب امضاء می کردند و همبستگی خود را با کارگران اعلام می داشتند که باعث دلگرمی هر چه بیشتر کارگران می شد. همچنین از سقز تومارهای مردمی و اعلام حمایت اتحادیه خبازان به دست کارگران آنها را هر چه بیشتر به ادامه اعتصاب تشویق می نمود.

کارفرما دست به تهدید نمایندگان کارگران می زند کارفرما و دولت بااستنطاقها و بازجوییهای غیر رسمی نمایندگان کارگری و پرونده سازی برای آنها و خصوصاً سخنگوی نمایندگان، شیث امانی سعی داشتند که آنها را عامل آشوب و بحران معرفی کرده و به اخراج و زندان ... تهدیدشان کنند. اما باز هم درایت کارگران و نمایندگانشان، با نامه ای به اداره کار به این عنوان که ما کارگران آگاهانه دست به اعتصاب زده ایم و نمایندگان ما فقط منخبندان برای ابراز مطالبات و انجام مذاکرات هستند و امضای تمام کارگران پیوست به این نامه به اداره کار می رود. این جا هم کار فرما، نمی تواند کاری از پیش

است، خوب میدانند. اول اینکه رژیم اسلامی به دلیل ماهیت اسلامی اش و به خاطر اینکه فلسفه وجودیش سرکوب خونین مبارزه مردم و انتقام از خیزش آنان علیه رژیم شاه بود، طی این ربع قرن از یافتن کوچکترین مسکن و علاجی برای بحران عمیق سرمایه داری ایران عاجز و ناتوان بوده است. بنابراین این توهم و خوش خیالی جناب وزیر مسکن رژیم برای تامین امنیت سرمایه گذاری بخش خصوصی از طریق توکل به خدا و امید به سرمایه داران امین کرد، پوچ و واهی است. و دوم و مهمتر اینکه رژیم اسلامی با

برود. نجفی مدیر عامل کارخانه به همراه هیاتنی از تهران به سنندج می آیند و با نماینده کارگران به مذاکره می نشینند، اما در واقع آنها را نصیحت می کنند که کار شما غیر قانونی است و هر چه زودتر دستگاهها را استارت زده و سر کارتان برگردید که با برخورد کارگران مواجه می شوند. به نمایندگان می گویند که شما اطلاعیه ای به کارگران بدهید که سر کار برگردند. نامه ای را با عنوان این که، کارگران به تحریک نمایندگان دست به اعتصاب زده ایم برای سر شیفتها میبرند و به آنها وعده می دهند که اگر این نامه ها امضاء کنند هم حقوقشان را زیاد می کنند و هم به آنها پاداش می دهند. سر شیفتها آنها را متقلب می خوانند و مسخره شان می کنند. نجفی به سالن می رود تا با کارگران صحبت کند. می گویند که من به شما خدمات زیادی کرده ام دستگاههای جوراب بافی آورده ام تا تولید کارخانه را بالا ببرم اما شما می خواهید ما را فلج کنید. یکی از کارگران بلند می شود و می گویند دیگر از این وعده و وعید های شما به تنگ آمده ایم دستگاہهای مستهلکتان برد خودتان می خورد. دیگر نمی توانید با این دروغها ما را بفریبید.

همبستگی و اتحاد کارگران نکته ای که بسیار حائز اهمیت است، علیرغم این که کارفرما به خاطر اینکه کارگران را هر چه بیشتر تحت فشار قرار دهد حقوق را پرداخت نمیکند و می شود به راحتی فهمید که در چه وضعیتی کارگران و خانواده هایشان بسر می بردند. تعدادی از کارگران اعلام می کنند که ما کمی پس انداز داریم هر کدام از شما دوستان اگر با مشکل مالی مواجه شدید می توانیم پس اندازمان را تقسیم کنیم. این حرکات انسانی بیانگر اتحاد و همبستگی عمیق میان این کارگران است. که ←

روز شمار اعتصاب!

پیروزی زیبا است! اما این چه ذنباي کثیفی است که ما کارگران را به خاطر لقمه نانی و فقط نانی که شکم خود و بچه هایمان را سیر کند و از گرسنگی نمیریم مجبور میکنند بجنگیم. در حالیکه در همین مملکت هر ساعت و دقیقه کرور کرور و میلیارد میلیارد در میان داراها و صاحبان و غاصبان ثروت ملت دست بدست میشود. آنها در ناز و نعمت و پر خوری و مفتخوری بازر و میبرند و ما از کار طاقت فرسا و درآمد بخور و نمیر و شدت کار و عدم ایمنی کار برای آنها سل و دیسک کمر میگيريم و کر و کور ميشويم. آره، پیروزی زیبا است، اما هر روز قربانی این شرایط غیرانسانی بودن و حتی برای غیر کارگراها شاهد این شرایط ضد انسانی کارگران بودن دردناک است.

اعتصاب کارگران نساجی کردستان - سنندج - در ایاماد وسیع می تواند به سادگی گویای قدرت کارگران یعنی نیروهای اصلی تولید باشد. همیشه کارفرمایان با توجه به عدم همبستگی و اتحاد قشر کارگر هرگاه دلشان خواسته اخراج کرده اند بر چه زده اند و ترین کارگران را از پایه ای ترین حقوقشان محروم ساخته اند. شرایط کار را به دلخواه خود و بدون در نظر گرفتن ایمنی جسم و جان کارگران و به خاطر هرچه کمتر هزینه کردن و سود جویی بیشتر فراهم کرده اند. و کارگران که قدرتشان در اتحاد و اعتصاب و تحسینهای دسته جمعی است به دلیل نبود همین همبستگی مجبور بوده اند تن به این وضعیت رقت بار بدهند. اما کارگران نساجی و اعتصابشان و نشان دادن قدرتشان باید این جو را بشکنند و همه کارگران را به حول و برجم همبستگی و اتحاد جمع

کارگر متحد، کارگر همبسته!

حسین مرادبیگی

اعتصاب از این جنبه نیز يك پیروزی بود، اما تجارب آن فراتر از خود دست آورد مقطعی آن بود و میتوانست از آن نیز فراتر رود. این همبستگی و اتحاد کارگری و مردمی جلوه ای بود از حضور صف چپ و رادیکال جامعه در شرایطی که ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات در کردستان ایران با بلند کردن پرچم فدرالیسم قومی و پاپیای آن اپوزیسیون راست جامعه نیز با طرح "رفراندم" قانون اساسی دارند نقشه عراقیزه کردن ایران و از هم پاشاندن شیرازه مدنی جامعه را تدارک می بینند. سرنگونی جمهوری اسلامی توسط این صف رادیکال و سرنگونی طلب جامعه، تنها راه ممانعت از خواب و خیالهای ارتجاعی اینها برای از هم پاشاندن شیرازه مدنی جامعه است. در بعد کارگری، این اعتصاب یکبار دیگر ثابت کرد که نه تنها حکومت وحشی اسلامی بلکه هیچ دولت و کارفرمایی حاضر به مذاکره با کارگری نخواهد بود که بجای اتحاد و نیروی همبسته و رزمنده خود دست به دامان اداره کار، دست

اعتصاب کارگران نساجی سنندج با موفقیت به پایان رسید. این پیروزی محصول مبارزه خستگی ناپذیر ۱۶ روزه کارگران نساجی سنندج و اساسا اتحاد و همبستگی سفت و سختی بود که میان کارگران این کارخانه وجود داشت. در کنار آن حمایت و پشتیبانی گرم بخشهایی از کارگران و مردم سنندج، کارگران و مردم شهرهای سقز و کامیاران، تهران و دیگر نقاط ایران و همراه آن فشار اتحادیه های کارگری در خارج کشور به جمهوری اسلامی، پیروزی این اعتصاب را ممکن کرد. این موفقیت را به کارگران سنندج، به مردم مبارز سنندج، به همه کارگران و مردم آزاده ای که از کارگران نساجی سنندج حمایت و پشتیبانی کردند، تبریک میگویم. پیروزی این اعتصاب فراتر از خواستهای آن بود، هم در بعد سراسری و هم در بعد کارگری. طبعاً پیروزی این اعتصاب و هر اعتصابی بدون رسیدن کارگران به بخشهایی از خواستها و مطالباتشان معنی ندارد، این

بدامان فلان مامور دولت و کارفرما، و یا خانه کارگر و شوراهای اسلامی میشود، نشان داد که زبان خوش و قربان و صدقه دولت و کارفرما رفتن هیچ دولت و کارفرمایی را پشت میز مذاکره نمیکشاند. این را ما دهها بار که کارگران و فعالین کارگری راه "قانونی" در پیش گرفتند و استقلال خود را در برابر خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار از دست دادند، دیدیم و شاهد بوده ایم و دهها بار نیز به کارگران و رهبران و فعالین کارگری گفته ایم که این کار را نکنند، که بیهوده است، که بی نتیجه است. اعتصاب کارگران نساجی سنندج يك بار دیگر اثبات کرد که جمهوری اسلامی و کارفرمایان را تنها با اتحاد و همبستگی و رزمندگی خود کارگران میتوان وادار به مذاکره و تحمیل خواستهای خود کرد. کارگر اعتصابی به جای مراجعه به فلان اداره جمهوری اسلامی، باید دم در کارخانه و یا محل کار خود پیکت بگذارد، جلو در بیمارستانی که در آن کار میکند، پیکت بگذارد، کارگران بخشهای دیگر را به حمایت از خود فراخواند، باید به میان مردم برود و برای مردم توضیح دهد که چرا

اعتصاب کرده است، حمایت و همبستگی مردم را خواستار شود، و از این طریق دولت و کارفرما را مجبور به مذاکره و قبول خواستهای خود کند. رهبران و فعالین کارگری چه آنها که در حال اعتصاب اند و چه آنها که در حال اعتصاب نیستند، لازم است حمایت و پشتیبانی دیگر کارگران را رسماً خواستار شوند. لازم است مستقیماً به اتحادیه های کارگری در خارج کشور نامه بنویسند و از آنان بخواهند که بمنظور حمایت و پشتیبانی از کارگران اعتصابی، جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند. کارگر و "فعال" کارگری که دلش خوش است دستش را بکلاه خودش گرفته است، حمایت خود را از کارگران در حال اعتصاب دریغ میکند، هم از نظر منافع طبقاتی خود و هم از نظر منافع دراز مدت سخت در اشتباه است. اعتصاب کارگران نساجی سنندج کارآئی و برائی وحدت و همبستگی و رزمندگی طبقه کارگر را در دفاع از حقوق خود، در پس زدن یورش جمهوری اسلامی به معیشت خود و در ضرورت جلب حمایت کارگری و مردمی چه در داخل و چه در خارج کشور، نشان داد. اگر رژیم اسلامی

سرمایه و کارفرما در مقابل کارگران نساجی سنندج کاملاً عقب نشینی نکرده باشند که ظاهراً نکرده اند، کارگران مبارز نساجی سنندج دور دیگری از دست و پنجه نرم کردن با جمهوری اسلامی و کارفرما را دیر یا زود در پیش دارند که باید برای به پیروزی رساندن آن از هم اکنون آماده بود. درهرحال، تجربه اعتصاب کارگران سنندج نشان داد که مبارزه و اعتصاب و تحسن وقتی به ثمر می نشیند که کارگران ایران به این سطح از اتحاد و همبستگی که لازم پیشبرد مبارزه طبقه کارگر علیه جمهوری اسلامی و علیه کارفرماست، وارد شوند. و تنها در چنین حالتی است که جمهوری اسلامی و کارفرما را وادار میکنند که به مذاکره تن بدهند و در مقابل کارگران تنها با مبارزه مستقل خود، با نیروی اتحاد و با همبستگی و رزمندگی خود و از طریق فراتر بردن مبارزه خود از محدوده کارخانه و محل است که میتوانند حق و حقوق خود را از دولت و کارفرما بگیرند.

۱۰ ژانویه ۲۰۰۵

پشتوانه واقعی تمام قدرت آنان است.

شورای تأمین و کمیسیون و تن دادن به مذاکره شورای تأمین برای رسیدگی به اعتصاب تشکیل می شود. شورای تأمین را رئیس اطلاعات، فرمانده نیروی انتظامی و استاندار تشکیل می دهند و در این باره به جلسات محرمانه می روند. اینها می دانند که از هر دری رفته اند اما به نتیجه نرسیده اند پس باید گردن بنهند به خواست کارگران. اینها سپس کمیسیونی را به نام کمیسیون کارگری، شامل هیئت آزمای از تهران، نماینده اطلاعات نماینده نیروی انتظامی، نماینده اداره کار و کارفرما تشکیل میدهند که در واقع کمیسیون ضد کارگری است. اینها که به بن بست رسیده اند مجبور میشوند به مذاکره بنشینند. اما این بار نه برای نصیحت بلکه برای رسیدگی به مطالبات کارگران و این حرکتی تخمیلی به کارفرما و حامیانش خود یک پیروزی بود.

سراجم روز پنج شنبه کمیسیون رسیدگی به اعتصاب کارگران، آنها را به مذاکره می خواند. اما اینجا هم دست از ترفند های ضد انسانی و ضد کارگری بر نمی دارد و می گوید از هر شیفت ۴ نماینده بپاید برای مذاکره. اما کارگران آبدیده در جواب گفتند مگر ما قبلاً نماینده ها خود را

انتخاب نکرده ایم با آنها مذاکره کنید. نمایندگان کارگران به مذاکره می روند و مطالبات را بند به بند بررسی می کنند. رئیس کل اداره کار می گوید لغو قانون قرارداد موقت برای کارفرما امکان پذیر نیست چون این یک قانون است و شما نمی توانید قانون را تغییر بدهید و این خواست برای کارگران کارخانه شما غیر منطقی است. یکی از نمایندگان در جواب می گوید که منطقی که شما می گوید منطقی سرمایه داری و ضد کارگری است نه منطقی انسانی و افسوس که کارگران کارخانه های دیگر را یاری ندادند و گرنه همین قانون به قول شما منطقی را هم عوض می کردیم. به این ترتیب اعتصاب کارگران با تحمیل بخشی از خواستها به کارفرما با پیروزی تمام میشود. ما آنها را وادار کردیم که بگویند و بنویسند که دیگر کارفرما نمیتواند سرخود کارگر اخراج کند، که مدت زمان قرارداد را تا ۶ ماه افزایش میدهد، حقوق ماه قبل را فوری میدهد و به دیگر خواستهای ما رسیدگی کرده و فوری جواب میدهد. ما نتوانستیم همکارانمان را به سر کار برگردانیم اما به جای یک ماه و خرده ای که پیشنهاد کارفرما بود، ۳ ماه حقوق برای هر سال سنوات خدمت را بدست آوردیم. اما هنوز

جایشان در میان ما خالی است. ما میدانیم همبندگن خواستهای که به رسمیت شناخته شده باز تنها ضامن اینکده همین خواستهای داخل اجرا شود اتحاد ما و اعتصاب است! به نتیجه رساندن تمام مطالبات ما در گرو این بود که کارگران در سراسر ایران به اعتصاب ما بپیوندند. اگر این کار میشد ما لغو کامل قانون ضدکارگری کار قراردادی موقت را به آنها تحمیل میکردیم. در اینجا لازم است از همه حمایتهای مردم و کارگران سنندج وسقز و دیگر جاهای ایران و پشتیبانیهای جهانی کارگری که اگر چه دیر رسیدند، تشکر کنیم. ما برای اینکه مطالباتمان را به نتیجه کامل و بهتری برسانیم نیاز به حمایت فعالین کارگری و کارگران کارخانه های همسایه و... داشتیم و هنوز هم به این پشتیبانیها نیاز داریم. این پشتیبانیها تنها گوشه ای از شکوه و ابهت قدرت اتحاد و همبستگی کارگران را به نمایش گذاشته است.

زباترین درود ها نثار تان باد
زنده باد اعتصاب
بینش حکمت
binesh_hekmat@yahoo.com
۱۹ دیماه ۸۳

شماره اول
حکمت،
نشریه ای
تئوریک سیاسی
از حزب
کمونیست
کارگری ایران -
حکمتیست
منتشر شده
است!



کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

دبیر کمیته: حسین مرادبیگی

h_moradbeigi@yahoo.com

Tel: 00447960233954

عمليات جيمزباندی سرقت و كشف دوباره قرآن نكل!! بر اساس گزارش ارسالی نوذر از سنندج

قرآن نكل، از نسخه های قدیمی است و سالها چه در دوران رژیم شاهنشاهی و چه بویژه رژیم اسلامی، موجهی برای خیر و "برکت" و خرافه شده است و در جمهوری اسلامی این روستای واقع در مسیر جاده سنندج مریوان را به يك محل توریسم اسلامی تبدیل کرده است. خیرات و زکاتی که توریستهای اسلامی نصیب روستای نكل و مسجد محل نگاهداری قرآن نكل میکنند موجب شده است که رژیم اسلامی به مردم ساکن روستا نیز هاله مقدسی بپوشاند. این نسخه قرآن را بعلاوه بعنوان یکی از میراثهای "باستانی" و نشانی از تدین و پارسانی "مردم کردستان در بوق کرده اند.

اما بطور خودبخودی قرآن نكل نه معجزه ای میکند و نه در طولانی مدت توانسته است خاصیت جادویی خود را بازسازی کند. باید در مورد آن جنجال به پا کرد و اسرار و راز و رمز و افسانه ها آفرید.

این نسخه کلام ملکوتی برای مدت چند ماه مفقود شد، و یا آنطور که بعدها معلوم شد با دخالت نیروهای انتظامی رژیم مفقودش کردند و جار زدند که قرآن نكل را به سرقت برده اند. پس از ۶ ماه عملیات جیمزباندی سرقت نمایشی و كشف

دوباره آن در اثر تلاشهای "خستگی ناپذیر" ماموران حکومت خدا، يك تبلیغات پر سروصدا راه انداختند، عوامل خود و انسانهای ساده دل را بسیج کردند که در سنندج و نكل و مریوان بر سر مقامات انتظامی بریزند و آنان را سر دست بلند کنند. فرمانده نیروهای انتظامی رژیم در سنندج که تا آنوقت کسی حتی چهره اش را هم ندیده بود در يك شو نمایشی روی دست بلند کردند و صحنه تشکر و بوسه زدن بر سر و رویش را در تلویزیون پخش کردند. چه مراسم شکرگزاری عجیبی از این اعجاز نجات قرآن نكل از دست سارقین فیلم دست ساز جمهوری اسلامی! و همه میدانستند که این "خدمت" برای كشف دوباره این اثر "گرانها" در زمانی انجام شده است که رژیم میخواهد انتخابات ریاست جمهوری برگزار کند، كاملا معلوم بود که میخواهند "قوم قرآن دوست" کردستان را به پای صندوقهای رای ببرند و معلوم بود که با دایر کردن دوباره مرکز توریسم اسلامی میخواهند بازگشت دوباره درآمدهای حاصله از سایه قرآن نكل را مدیون نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم وانمود کنند. اما در کنار آن و همراه با بازگشت

سایه رحمت قرآن نكل به منطقه و تقدیر و سپاسگزاری از کاشفین سرقت، نبروهی رژیم به منظور جلوگیری دگر باره چشم طمع سارقین ناشناس به این منبع الهی، روستای نكل و مسیر جاده سنندج به مریوان را تبدیل به يك دژ نظامی با مراکز و پستهای بازدید و کنترل رفت و آمدها تبدیل کرده اند. رژیم اسلامی بدون اختناق و سرکوب و قهر و غضب اسلامی نمیتواند يك روز هم حکومتش را ادامه دهد.

قرآن "مجید" نكل، و داستان مسخره سرقت و كشف معجزه آسای دوباره آن، ضمن اینکه تلاشی برای كشاندن مردم به پای صندوقهای انتخابات است، اما مهمتر از آن وسیله ای هم شد تا سرکوب و حاکمیت قهر و غضب اسلامی رژیم، در شرایط نفرت عمیق مردم، در پرده مقدس پاسداری از گنجینه "نفیس" و منبع کسب زکات و خیرات اسلامی پیچیده شود. سوال این است آیا چنین عوامفریبیهای اسلامی در حالی که ۲۵ سال است طبق نص آیات قرآن، مردم كشتار میشوند و به فقر و فلاکت و اعتیاد و بی خانمانی كشانده شده اند، دو روز هم دوام خواهد آورد؟

گرانها تر از طلای کردستان (از صفحه ۳)

يك بحران لاینحل سیاسی نیز روبروست. این رژیم را مردم ایران نمیخواهند، رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است که بر امواج سهمگین خشم و نفرت مردم نشسته است. پس از ۲۵ سال قتل نفس و جنایت سازمانیافته، رژیم اسلامی از برقراری و تامین شرایط "امن" برای بقا حاکمیت خود ناتوان و عاجز مانده است. اعتصاب و مبارزه پرستاران و اعتصاب پیروزمند کارگران نساجی در همان سنندج فقط گوشه ای از این نیروی نفرت عظیم و عمیق از رژیم اسلامی و "نه"

ممکن است برخی از آنان مستقیما و شخصا در جنایات رژیم شرکت نکرده باشند، و از عوامل مستقیم و کارگزاران واسطه های رژیم نبوده باشند اما واضح است که ثروتهای افسانه ای آنها و زندگی انگلی شان، بدون تکیه کردن به این ماشین كشتار جنایات اسلامی نا ممکن بود. مردم کردستان باید این تاراجگران هم دست و هم کاسه جانیان حاکم اسلامی را به خوبی بشناسند. میگویند ثروت عده ای "باد آورده" است، ثروت این جماعت اما "خون آورده" است.

۱۱ ژانویه ۲۰۰۵

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست اعتصاب معلمان دیواندره با موفقیت پایان یافت!

امروز یکشنبه ۲۰ دیماه ۱۳۸۳ (۹ ژانویه ۲۰۰۵) معلمان مدارس راهنمایی شهر دیواندره بدنبال توافقاتی که بعد از ظهر روز شنبه ۱۹ دیماه با نماینده آموزش و پرورش داشتند، بعد از ۴ روز اعتصاب در کلاسهای درس حاضر شدند.

چنانچه به اطلاع رساندیم معلمین مدارس راهنمایی دیواندره از صبح روز چهارشنبه ۱۶ دیماه برای تحقق مطالبات خود دست به اعتصاب زدند و همزمان که در مدارس این شهر حضور داشتند از رفتن به کلاسهای درس خودداری میکردند. دانش آموزان مدارس راهنمایی این شهر در همبستگی با معلمان خود از رفتن سر کلاسهای درس خودداری کردند.

خواستهای معلمان راهنمایی دیواندره عبارتند از افزایش حقوق، پرداخت پول ساعتی که خارج از ساعت رسمی و اداری در مدرسه هستند و به رسمیت شناختن این ساعتها به عنوان اضافه کاری و همچنین بن خرید کتاب.

در مذاکراتی که دیروز نماینده آموزش و پرورش این شهر با نمایندگان معلمان داشت، قول دادند که ضمن به رسمیت شناختن ساعتی اضافه کاری و پرداخت دستمزد این ساعات، تلاش خواهند کرد حقوق معلمان را نیز افزایش دهند. نماینده آموزش و پرورش از پذیرش خواست بن کتاب خودداری کرد. معلمان بدنبال این قول و قرارها امروز در کلاسهای درس حاضر شدند. معلمین اعتصابی همزمان اعلام کردند که اگر آموزش و پرورش از اجرایی این توافقات خودداری کند، آنها دوباره دست به اعتصاب خواهند زد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست این موفقیت را به معلمان راهنمایی دیواندره و مردم مبارز این شهر تبریک میگوید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست

۲۰ دیماه ۱۳۸۳
۹ ژانویه ۲۰۰۵

انجمن مارکس در سوئد برگزار میکند:

انجمن مارکس سوئد (گوتنبرگ)
انقلاب اکتبر: مبانی مشترک لنینیسم و حکمتیسم
(مارکسیسم پراتیک)

ایرج فرزاد

شنبه ۱۵ ژانویه - ساعت ۱۱-۱۶

مکان: گوتنبرگ Majorna Stigbergled 18

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۷۹۵۹

انجمن مارکس سوئد (استکهلم)

کمونیسیم کارگری: مصافهای گذشته،

چشم انداز آینده

رحمان حسین زاده

شنبه ۱۵ ژانویه - ساعت ۱۱-۱۶

مکان: Husby Nidaros Gatan 12

مسئول انجمن مارکس سوئد: اسد نویدینان

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۵۳۵۵۶۷

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

از میان اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

اعتصاب پرستاران آغاز شد!

اطلاعیه شماره ۲ حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

امروز یکشنبه ۲۰ دیماه پرستاران استان تهران طبق قرار قبلی در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان که طی دو سال گذشته بدون جواب مانده است، مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند و خواستار افزایش حقوق، لغو خصوصی سازی، کاهش شیفت های شبانه و دیگر مطالبات خود شدند.

در این تجمع که به فراخوان تشکلهای پرستاری از ساعت نه صبح امروز آغاز شد، پرستاران ضمن یادآوری سخت و زیان آور بودن حرفه پرستاری، خواستار پرداخت مطالبات قانونی، رفع تبعیض ها و نابرابری های شغلی و اجتماعی و پاسخ سریع پیشان شدند.

در دو سال اخیر مطالبات پرستاران روی میز مسوولان دولتی قرار داشته و بجز وعده و وعید، هیچ اقدامی نشده و خواسته هایشان بی جواب مانده است. نمایندگان مجلس هم بجز ریاکاری و اعلام آمادگیهای دروغین برای پیگیری مطالبات پرستاران کاری نکرده اند. نمایندگان پرستاران خاطر نشان کردند که، مشکل ما مشکل کلیه مردم است. کمبود نیروی انسانی، خصوصی سازی خدمات پرستاری، عدم رعایت عدالت در مساله بهداشت و درمان برای مردم بسیار زیان آور بوده است. رئیس سازمان نظام پرستاری در رابطه با تجمع پرستاران، ریاکارانه و در عین حال تهدیدگونه اعلام کرد که اعتصاب پرستاران، سلامت و جان بیمار را به خطر میاندازد. این مزدور رژیم تلاش میکند پرستاران را به سر

کار بفرستد و آنها را کماکان در انتظار نگه دارد. ما ضمن حمایت قاطعانه از تجمع و اعتصاب پرستاران، از مردم مبارز تهران در وهله اول و در سراسر ایران میخواهیم که از مبارزات پرستاران برای حقوق و مطالباتشان حمایت کنند. تنها راه پیروزی پرستاران تداوم اعتصاب سراسری و متشکل شدن در مجامع عمومی و انتخاب نمایندگان واقعبینان است. تجربه نشان داده است که نه مسوولین نظام پرستاری و نه نمایندگان مجلس رژیم حامی پرستاران نیستند و نمیتوانند باشند. مجلس اسلامی یک ارگان حافظ منافع سرمایه داران و دولت و جزئی از دستگاههای سرکوب رژیم است. ضامن پیروزی پرستاران اتحاد و تشکل و اعتصاب سراسریشان تا تحقق کامل حقوق حقه خود است

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۰ دیماه ۸۳
۹ ژانویه ۲۰۰۵

ما همچنین طی اعتصاب قبلی شما که تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۰۴ خاتمه یافت بنمابندگی از کارگران کارخانه نساجی کردستان به دولت ایران شکایت نمودیم. در آنزمان، نیروهای امنیتی با به محاصره در آوردن کارخانه تنش نالازم ایجاد نموده بودند بنابراین ما نگران بکارگیری دوباره نیروهای امنیتی هستیم همانطور که به نمایندگی از کارگران اعتصابی نساجی کردستان در شکایت قبلیمان به دولت ایران نوشتیم، دولت و کارفرمایان اگر می خواهند از تنش اجتماعی اجتناب کنند مستلزم هستند که به شکایات کارگران رسیدگی نمایند

ای سی اف تی یو این اعتصاب را از نزدیک دنبال خواهد کرد و ممنون خواهیم شد چنانچه اوضاع وخیم گردد و احیاناً خشونت علیه کارگران اعتصابی بکار گرفته شود ما را در جریان قرار دهید

ارادتمند شما،
کای رایدر، دبیر کل

از میان مجموعه فعالیتهای بین المللی در دفاع از کارگران نساجی سنج

نامه دبیرکل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد

یکشنبه ۲۰ دی ۱۳۸۳ - ۹ ژانویه ۲۰۰۴

بنا به گزارش "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران"، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری در نامه ای خطاب به کمیته حمایت از کارگران اعتصابی سنج، پشتیبانی خود را این تظاهرات اعلام کرد. در این نامه آمده است کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری (ICFTU) بونوسویله همبستگی خود را با کارگران اعتصابی در کارخانه نساجی کردستان اعلام می کند ما مطلع هستیم که اعتصاب در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۴ آغاز

شده است، و کارگران این کارخانه برای چندین بار در دو ماه گذشته اعتصاب کرده اند اعتصاب کنونی در اعتراض به اخراج کارگران قدیمتر و جایجایی کارگران با کارگران قراردادی که از قوانین حمایتی کار برخوردار نیستند صورت گرفته است. از این گذشته، به کارگران بیکار شده تنها غرامت ناچیزی پیشنهاد شده و کارفرما در سال گذشته ۱۷۵ کارگر را اخراج کرده است

کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری از مطالبات کارگران اعتصابی برای قراردادهای مناسب کار و محکومیت قراردادهای موقت که وسیله ایست جهت محروم نمودن کارگران از شرایط مناسب کار حمایت می کند ای سی اف تی یو پیش از این در تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴ اعتراض خود را به دولت ایران علیه طرح خروج کارگران موقت از شمول قانون کار اعلام کرده است

از اطلاعیه های کمیته سقر حزب

اطلاعیه شماره ۲۳ کمیته سقر حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

دومین همایش انجمن "معتادین گمنام" در سقر

با شرکت ۴۰۰ نفر برگزار شد. روز سه شنبه ۱۵ دیماه ۱۳۸۳ (۴ ژانویه ۲۰۰۵) دومین همایش انجمن "معتادین گمنام" در ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر در کتابخانه مرکزی شهر سقر واقع در خیابان ساحلی برگزار شد. این همایش که یک ساعت و نیم طول کشید، مورد استقبال خوبی قرار گرفت و حدود ۴۰۰ نفر از مردم سقر و خانواده معتادین و تعداد زیادی از افرادی که دچار اعتیاد شده اند و همچنین افرادی که در مدت فعالیت این انجمن ترک اعتیاد کرده، شرکت داشتند. در این همایش که در میان شور و شوق شرکت کنندگان پیش برده شد، مهمانانی از سندج و دیواندره شرکت داشتند. در این گردهمایی تعدادی از فعالین انجمن در مورد فعالیتهای انجمن و نقشی که تا کنون در مبارزه علیه پخش مواد مخدر و تلاش و کمکهای که برای ترک اعتیاد کرده اند سخن گفتند. سخنرانان در سخنان خود به در دسترس و ارزان بودن و پخش مواد مخدر در زندانهای رژیم اشاره کردند. آنها ضمن ارائه آماری از کسانی که به کمک انجمن ترک اعتیاد کرده، مردم را به همکاری فراخواندند. همایش با شور و شوق و در میان کف زدن حضار در ساعت ۵ بعد از ظهر پایان یافت. چنانچه در اطلاعیه شماره ۱۳ کمیته سقر به اطلاع رساندیم، اولین همایش این انجمن در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۸۳ برابر با ۱ نوامبر ۲۰۰۴ با شرکت ۱۵۰ نفر، در همین محل برگزار شد. اعتیاد بالای جان میلیونها نفر از مردم ایران است و متأسفانه روزانه آمار مبتلایان به آن بالا میرود. جمهوری اسلامی با جهنمی که برای مردم ساخته است و در کمال بی شرمی با پخش مواد مخدر و تلاش برای مبتلا کردن هر چه بیشتر مردم و خصوصاً جوانان، بزرگترین عامل این جنایت علیه بشریت است. ما از هر نوع فعالیت علیه پخش مواد مخدر و هر نوع تلاش انساندوستانه برای ترک اعتیاد، با تمام امکانات خود پشتیبانی میکنیم و مردم را به مبارزه با این مشکل بزرگ فرامیخوانیم. مبارزه با اعتیاد، تهیه امکانات ترک برای معتادان مستلزم موظف کردن دولت و حاکمیت است به ارائه امکانات. در ایران مبارزه با اعتیاد و مبارزه برای بهبودی شرایط زندگی و ایجاد جامعه ای که در آن مردم به صرافت مصرف مواد مخدر نمی افتند، قبل و بیش از هر چیز مستلزم سرنگونی رژیم کثیف اسلامی است.

کمیته سقر حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۶ دیماه ۱۳۸۳
۵ ژانویه ۲۰۰۵

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

آدرس ای میل: khaledhaji@yahoo.com

منتشر میشود:

"متحد و همبسته، زنده باد انسانیت"
مجموعه اسناد مربوط به اعتصاب
کارگران نساجی سندج